

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه حقوق مدنی ۳
(بخش دوم)

دوره کارشناسی فقه و حقوق

استاد: آیت الله حبیبی تبار

تهیه و تنظیم: عبدالله زکی

پایگاه اطلاع رسانی گروه فقه و حقوق قضایی

www.feqhvaqaza.com

۲- مستقیم بودن ضرر: منظور از مستقیم بودن ضرر این خواهد بود: «که بین فعل زیانبار و ضرر، حادثه‌ی دیگری وجود نداشته باشد تا جایی که بتوان گفت ضرر در نظر عرف از همان فعل ناشی شده است.»^۱ طبق این شرط، کسی مسئول جبران خسارت است که ضرر را مستقیماً وارد کرده باشد. به عبارت دیگر ضرری قابل مطالبه است که مستقیماً وارد شده باشد، نه مع الواسطه. بنابراین ضرری که با واسطه وارد شده باشد، قابل مطالبه نخواهد بود.

مثلاً: کسی گاو بیماری را به دامدار بفروشد، و در اثر سرایت بیماری این گاو به سایر گاوها، سایر گاوهای فرد خریدار نیز تلف شود و در نتیجه او نتواند به تعهد خود در باره رساندن شیر به کارخانه عمل کند. حالا که شیر به کارخانه نرسیده کارخانه نیز دچار ضرر شده است.

در مثال فوق فروش گاو بیمار، به دامدار موجب ایجاد دو نوع ضرر شده است:

الف: ضرر مستقیم: به این معنی که چون: سایر گاوهای دامدار بر اثر خریداری شدن این گاو بیمار، دچار مریضی شده اند لذا خریداری نمودن این گاو بیمار، مستقیماً به دامدار ضرر وارد کرده و آن عبارتست از گسترش بیماری به سایر گاوهای او.

ب: ضرر غیر مستقیم: این گاو بیمار، به طور غیر مستقیم به کارخانه دار نیز ضرر وارد نموده زیرا: بر اثر بیمار شیوع این بیماری، سایر گاوهای دامدار تلف شده است و در نتیجه او نتوانسته به تعهدی که در قبال کارخانه داشته است عمل نماید. و در نتیجه چون شیر به کارخانه نرسیده لذا کارخانه دار دچار ضرر شده است. بنابراین خریداری گاو بیمار توسط دامدار، به طور غیر مستقیم موجب ضرر کارخانه دار نیز شده است.

با روشن شدن ضرر مستقیم، ضرری قابل مطالبه می باشد که به طور مستقیم ضرر باشد. نه مع الواسطه. بنابراین در مثال فوق کارخانه دار حق شکایت از فروشنده‌ی آن گاو بیمار را ندارد. به عبارت دیگر کارخانه دار نمی تواند جبران ضررش را از فروشنده گاو بیمار مطالبه کند.

استثناء: ضرر باید مستقیم باشد جز در مورد غصب، چرا که در مسئله غصب، اگر غاصب مال غصبی، را به شخص دوم فروخته باشد و شخص دوم نیز آن را به شخص سوم فروخته باشد و... در اینجا صاحب مال غصبی مالش را در دست هرکدام که ببیند می تواند آن را اخذ نماید.

۳- عدم جبران ضرر: به هر نحوی که از شخص «زیان دیده» جبران خسارت به عمل آید، ضرر از بین می رود و او حق ندارد دوباره خسارت آن را مطالبه نماید. بنابراین ضرری قابل مطالبه است که قبلاً جبران خسارت نشده باشد. و به همین دلیل است که اگر ضرری، جبران خسارت شده باشد، شخص متضرر دیگر نمی تواند مجدداً خسارت همان ضرر را مطالبه کند.

^۱. همان، ص ۲۸۷.

س: جبران خسارت از سوی شخص ثالث و به عبارت دیگر از سوی غیرمدیون، چه نقشی دارد؟

ج: جبران ضرر از ناحیه هر شخصی که صورت بگیرد، شخص متضرر نمی تواند مجدداً مطالبه خسارت همان ضرر را بنماید. چه خود شخص زیان وارد کننده، ضرر وارده را جبران کرده باشد، و یا شخصی دیگری آن ضرر را جبران نموده باشد.

بنابراین خسارت، وقتی قابل مطالبه است که جبران خسارت نشده باشد، چه از سوی شخص «ضرر زننده» و چه از سوی شخص ثالث.^۲

اولین رکن از ارکان مسئولیت مدنی وجود ضرر بود که با اقسامش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

دومین رکن مسئولیت مدنی عبارتست از: ارتکاب فعل زیانبار:

مسئولیت مدنی زمانی ایجاد می گردد که فعل انجام گرفته، زیانبار باشد. یعنی نامشروع باشد. بنابراین اگر به نحو مشروع، به دیگری زیان وارد شود، ضرر زننده ضامن نبوده و مسئولیت مدنی نیز نخواهد داشت.

بنابراین ارتکاب فعل زیانبار، موجب مسئولیت می گردد جز در موارد ذیل:

۱) دفاع مشروع: اگر کسی در مقام دفاع مشروع به دیگری ضرر وارد نماید، مسئولیت نخواهد داشت. چنانکه ماده ۱۵ قانون مدنی در این باره می گوید: «کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی شود، مسئول خسارت نیست، مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف، متناسب با دفاع باشد.»

۲) فعل زیانبار به حکم قانون باشد: اگر کسی به حکم قانون، به دیگری ضرر وارد نماید، مسئولیت نخواهد داشت. از قبیل:

۲/۱ - اجرای احکام قضایی: که شامل اجرای حدود، قصاص و تعزیرات می شود. در این موارد هرچند فعل، زیانبار می باشد اما مسئولیت آور نمی باشد.

۲/۲ - دستورات قضایی: اگر کسی به موجب دستورات قضایی به دیگری ضرر وارد نماید مسئولیت نخواهد داشت از قبیل:

الف: تفتیش منازل؛

^۲. منشأ دین: منشأ دین از این امور نشئت می گیرد: ۱ - عقد: که گاهی مستقیم است: مانند: عقد قرض، و گاهی غیر مستقیم

است مانند: بیع، مضارعه، حواله، اجاره ۲ - قهری: مانند: غصب، اتلاف مال غیر، لقطه، اضرار و...

دین با هر منشأی که به وجود آمده باشد توسط یکی از امور زایل می گردد: ۱ - ابراء ۲ - پرداخت دین؛ که گاهی خود مدیون دین را پرداخت می کند و گاهی شخص ثالث آن دین را پرداخت می کند. ۳ - تهاتر ۴ - مالکیت ما فی الذمه.

عوامل سقوط تعهدات: الف: ارادی: که عبارتند از: ۱) ابراء ۲) اعراض ۳) وفاء به تعهد ۴) اقاله ۵) تبدیل تعهد. تبدیل تعهد سه نوع است: یک) تبدیل موضوع قرارداد دو: تبدیل دائن سه: تبدیل مدیون ب: قهری: که عبارتند از: ۱) دولت ۲) طبیعت ۳) تهاتر ۴) مالکیت ما فی الذمه.

ب: ارجاع به پزشک قانونی؛

ج: آزمایش برای تشخیص بیماری خاص از قبیل اعتیاد؛

این گونه موارد هرچند که موجب ضرر به غیر می گردد اما اگر به حکم دستورات قضایی انجام بگیرد مسؤولیت نخواهد داشت. البته ناگفته نماند که: «اگر در مقام اجرای قانون یا دستور دادگاه، مأموری، مرتکب بی مبالائی و سهل انگاری شود مسؤول زیانهای ناشی از رفتار نامتعارف خویش است و دستور قانون او را از پیامدهای تقصیر و سوء استفاده از این موقعیت معاف نمی کند.»^۳

۲/۳ - اجرای مقررات غیر قضایی: گاهی اباحه فعل زیانبار، به حکم مستقیم قانون نمی باشد بلکه عرف آن را مباح می داند. به عنوان مثال: گاهی فردی به دیگری ضرر وارد می کند اما عرف این ضرر را مباح می داند و در نتیجه ضرر وارد کننده مسؤولیت ندارد. مانند ضربه های ورزشی که طبق مقررات ورزشی، زیان وارد کننده معاف از مسؤولیت می باشد.

۳ - باب غرور: «مغرور» یعنی فریب خورده. هرگاه فردی بر اثر فریب خوردن، به دیگری ضرر برساند، طبق قول مشهور معاف مسؤولیت ندارد.

سؤال ۱ - هرگاه کسی بر اثر فریب فریبکار، به دیگری ضرر وارد نماید، آیا مباشر یعنی

(فرد فریب خورده) ضامن است یا سبب «یعنی فرد فریب دهنده» ضامن است؟

جواب: در این رابطه دو نظریه مطرح است:

الف: قول غیر مشهور: در خصوص این فرض، سبب، اقوای از مباشر است. در نتیجه «فریب دهنده» که سبب می باشد ضامن است.

ب: قول مشهور: مباشر اقوای از سبب می باشد. و در نتیجه «مباشر» که همان «فرد فریب خورده» باشد ضامن می باشد. و خسارت وارده را باید «مباشر» جبران نماید هرچند که او می تواند به «سبب» یعنی «فرد فریب دهنده» مراجعه نموده و خسارت خود را از او مطالبه نماید.

سؤال ۲ - قانون ایران از کدام قول - قول مشهور یا غیر مشهور - پیروی کرده است؟

جواب: قانون ایران از قول غیر مشهور پیروی کرده یعنی سبب را اقوای از مباشر می داند. و از نظر انصاف و عدالت نیز قول غیر مشهور به عدالت نزدیکتر می باشد.

۴ - اکراه: اگر کسی بر اثر اکراه به دیگری ضرر وارد نماید، معاف از مسئولیت می باشد. البته تحقق اکراه منوط به شرایط ذیل می باشد:

الف: اکراه کننده ی وجود داشته باشد: که اولاً: قادر به انجام تهدیدش باشد، ثانیاً: تهدید او جدی باشد نه شوخی.
ب: اکراه شونده ی نیز وجود داشته باشد: که اولاً: قادر به دفاع از خود بدون عسر و ضرر نباشد، ثانیاً: اکراه در مورد خودش یا بستگان درجه یک او باشد.

ج: موضوع اکراه نیز وجود داشته باشد: که عبارتست از: (۱) جان (۲) مال (۳) عرض.

نکات چند در مورد اکراه:

نکته اول: اکراه در قتل: اکراه در قتل اثری ندارد. یعنی اثر اکراه که عبارتست از رفع مسئولیت، این اثر در اکراه بر قتل، وجود ندارد. و لذا اگر کسی بر اثر اکراه، مرتکب قتل شود قصاص خواهد شد. بنابراین اکراه در قتل، هم مسئولیت مدنی دارد هم مسئولیت جزایی.

نکته دوم: اکراه در غیر قتل: اکراه در غیر قتل هم رافع مسئولیت کیفری می باشد و هم رافع مسئولیت مدنی. زیرا در اکراه به طریق اولی سبب - یعنی «مکره» - اقوای از مباشر - یعنی «مکره» - می باشد. و در نتیجه در باب اکراه سبب یعنی «مکره» مسؤول می باشد. نکته سوم: اکراه در عقد و ایقاع: اکراه در عقد موجب عدم نفوذ عقد و در ایقاع موجب بطلان می گردد.

نتیجه: اکراه اگر با شرایطش تحقق یابد، فرد مکره در غیر قتل، مسئولیتی نخواهد داشت بلکه این مسئولیت به دوش مکره خواهد بود. اما در قتل اکراه اثری ندارد. و موجب رفع مسئولیت از مکره نمی گردد.

سؤال: آیا اضطرار موجب رفع مسئولیت مدنی می شود یا خیر؟

پاسخ: اضطرار گاهی در قراردادهاست و گاهی در وقایع حقوقی.

اضطرار در قراردادها: موجب مسئولیت قراردادی می شود.

اضطرار در وقایع حقوقی: در وقایع حقوقی در «جزائیات» رافع مسئولیت جزایی می شود مگر در قتل، اما در غیر جزائیات و نیز در خود جزائیات، رافع مسئولیت مدنی نمی باشد.

مثال جزائیات: مثلاً آدم گرسنه که به خاطر شدت گرسنگی، نان می دزد، از حیث سرقت، هرچند مسئولیت جزایی نداشته و مجازات نمی شود. اما مسئولیت مدنی دارد و به نانوا بدهکار می باشد.

مثال غیر جزائیات: مغازه ی فردی دچار حریق شده است. صاحب مغازه با شیر آب همسایه آن را خاموش می کند. در این فرض هرچند که مسئولیت جزایی مطرح نمی باشد. اما طرف مسئولیت مدنی دارد.

س: آیا رضایت شخص متضرر، موجب رفع مسئولیت مدنی فرد ضرر وارد کننده می شود یا خیر؟

ج: رضایت متضرر گاهی بعد از تحقق ضرر است و گاهی قبل از تحقق ضرر می باشد.

اگر رضایت متضرر، بعد از تحقق ضرر باشد: میرزای نائینی در این زمینه می نویسد: «ان کون الشیء حقا و آنه غیر قابل للاسقاط لا یعقل» بنابراین اگر ضرر محقق شد، متضرر می تواند آن را اسقاط نماید. بنابراین رضایت متضرر بعد از تحقق ضرر، موجب رفع مسئولیت مدنی می شود.

اما اگر رضایت متضرر، قبل از تحقق ضرر باشد دو صورت دارد:

الف: گاهی رضایت متضرر قبل از تحقق ضرر، در قالب «اذن در اضرار» می باشد: یعنی شخص متضرر به فردی، اذن می دهد که در اموالش تصرف نماید. که این مسئله خودش دو صورت دارد:

۱ - گاهی شخصی که اذن در تصرف داده است صلاحیت اذن دادن را دارد. مثل اینکه صاحب باغ، به فردی اذن می دهد که از باغ میوه اش استفاده نماید. چنین اجازه ای رافع مسئولیت مدنی می باشد.

۲ - اما گاهی شخصی که اذن در تصرف داده است، خودش حق چنین اذن دانی را نداشته است. لذا اگر شخصی با توجه به اذن چنین شخصی تصرف نماید، تصرفش نامشروع می باشد و چنین اذنی رافع مسئولیت مدنی نمی باشد. مانند: انا تازی.

ب: اما گاهی رضایت متضرر، قبل از تحقق ضرر، در قالب «ابراء» می باشد: که این مورد نیز دو صورت دارد:

۱ - گاهی ضرر در شُرْف وقوع است. (ابراء پزشک قبل از عمل جراحی) (شخص مجروح قبل از اینکه فوت نماید قاتل را از قصاص عفو می کند). در این صورت ابراء، موجب رفع مسئولیت مدنی است.

۲ - گاهی ضرر در شُرْف وقوع نیست. در این صورت گاهی طرفین باهم صلح می کنند که اگر ضرری در آینده متوجه تو شد من بیشتر از یک میلیون تومان به تو نمی دهم. و طرف هم قبول می کند. در این صورت صلح، رافع مسئولیت مدنی می باشد.

اما اگر به طور کلی بخواهد ضرری را که در آینده محقق شود را ببخشد ابراء ما لم یجد است و باطل است و در نتیجه ابراء، موجب رفع مسئولیت مدنی نمی باشد.

جلسه چهارم: ۸۸/۷/۲۵

رکن سوم مسؤولیت: رابطه سببیت بین فعل زیانبار با ضرر:

به این معنی که بین فعل زیانبار و آن ضرر وارده، باید رابطه‌ی سببیت وجود داشته باشد به این معنی که «فعل زیانباری» که شخص مرتکب آن شده است با «ضرری» که به متضرر وارد شده است، علت و معلول باشند.

نکات:

نکته اول: وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر وارده در مقام «اثبات» لازم می باشد «نه در مقام ثبوت»! به این معنی که باید در دادگاه وجود رابطه‌ی سببیت میان فعل زیانبار و ضرر وارده و وجود این علیّت اثبات شود، و بار اثبات آن نیز به عهده‌ی فرد زیان دیده می باشد زیرا او مدعی است.

نکته دوم: تشخیص اینکه میان فعل زیانبار و ضرر وارده، رابطه‌ی سببیت وجود دارد، گاهی نیازمند به استخبار می باشد به این معنی که خود قاضی همواره نمی تواند وجود رابطه‌ی سببیت را کشف نماید بلکه در بسیاری از موارد قاضی باید به کارشناس مراجعه نماید تا کارشناس تشخیص بدهد که آیا میان فعل زیانبار و ضرر وارده رابطه‌ی سببیت وجود دارد یا خیر؟

اقسام رابطه سببیت:

(۱) گاهی سبب، منفرداً است؛ یعنی یک سبب وجود دارد.

(۳) گاهی اجتماع سبب و مباشر است.

(۲) گاهی سبب، متعدد است؛ که به آن تعدد اسباب گفته می شود.

✓ بخش اول: سبب منفرد:

اگر رابطه‌ی سببیت، منفرد باشد تکلیف روشن و مشخص است. به این معنی که کل خسارت وارده، متوجه همان سبب است.

✓ بخش دوم: اجتماع سبب و مباشر:

گاهی ممکن است به صورت اجتماع سبب و مباشر باشد مثل اینکه شخصی به شخص دیگر می گوید به تو هزار تومان می دهم و تو در قبالتش حیوان فلان نفر را بکش، در اینجا اجتماع سبب و مباشر است به این معنی که: آن شخصی که دستور قتل حیوان را داده و پول هم پرداخت کرده است، «سبب» است. و آن کسی که دستور را اجرا کرده است، «مباشر» است.

در فرض اجتماع سبب و مباشر، چه کسی ضامن و مسؤول است؟ آیا مباشر ضامن و مسؤول است یا سبب؟ برای پاسخ به این سؤال باید بدانیم که اجتماع سبب و مباشر، اقسامی دارد که به شرح ذیل بیان می شود:

اقسام اجتماع سبب و مباشر:

۱) گاهی معلوم است که سبب اقوی است.

۲) گاهی معلوم است که مباشر اقوی است.

۳) گاهی مباشر و سبب هردو تا از حیث ایجاد خسارت مساوی اند و هیچکدام اقوی از دیگری

نمی باشد و یا اینکه اصلاً معلوم نیست که کدام یک اقوی از دیگری می باشد.

چنانچه معلوم شود که «سبب» اقوی از «مباشر» است، «سبب» مسؤول و ضامن خواهد بود.

س: در چه مواردی، «سبب» اقوی از «مباشر» است؟

ج: در این موارد:

یک) در باب اکراه: در باب اکراه «سبب» مسؤول است نه «مباشر».

دو) در باب آمر و مأمور: در این باب آمر و مأمور نیز، سبب که «آمر» باشد مسؤول است و مباشر که «مأمور» باشد مسؤول نیست. البته به شرط که آمر و مأمور از باب استیلاء باشد. مثلاً کارگران شهرداری توسط لودر منازل مسکونی را که در مسیر طرح واقع شده، تخریب می کنند، در این فرض از دیدگاه عرف، آمر که «سبب» است مسؤول می باشد. اما مأمور شهرداری را که «مباشر» می باشد، مسؤول نمی داند.

و اگر معلوم شود که «مباشر» اقوی از «سبب» است، «مباشر» ضامن خواهد بود. مانند: باب قتل. که اگر کسی با تطمیع کسی، اقدام به قتل دیگری نماید، شخص «مباشر» ضامن است نه «سبب».

اما بعضی از مصادیق معلوم نیست که آیا «مباشر» ضامن است یا «سبب»؟ مانند: باب «غرور»، غرور در جای مطرح است که فریب در کار باشد به عنوان مثال کسی، کارگری را اجیر می کند که منزل را تخریب کن اما بعد معلوم می شود که این منزل متعلق به آن شخص نبوده بلکه متعلق به همسایه ی او بوده است. در این موارد اختلاف است که آیا مباشر ضامن است یا سبب؟ بعضی سبب را اقوا دانسته و گفته اند که باید «سبب» ضرر را جبران کند. اما برخی مباشر را اقوا می داند لذا باید «مباشر» ضرر را جبران کند منتها «مباشر» چون فریب خورده است از باب غرور، می تواند خسارتی را که پرداخت نموده است، از «مباشر» مطالبه نماید.

بنابراین در موارد که اقوا بودن هریک از سبب یا مباشر ثابت شود، قطعاً همان مسؤول خواهد بود. اما در مواردی که ندانیم که کدام یک اقواست و یا در مواردی که هردو تا مساوی در تأثیر باشند در چنین مواردی کدام یک ضامن و مسؤول می باشد؟

ج: در فرض اجتماع سبب و مباشر در مواردی که ندانیم آیا سبب اقواست یا مباشر؟ اصل آنست که «مباشر» اقواست. و این مطلب در ماده ۳۳۲ قانون مدنی، ذکر شده است.

بنابراین در دو مورد «مباشر ضامن است»

۱ - در فرض مجهول بودن یعنی در مواردی که ندانیم آیا سبب اقواست یا مباشر؟ «مباشر» ضامن خواهد بود.

۲ - در فرض که سبب و مباشر هر دو مساوی در تأثیر باشند باز هم «مباشر» ضامن است.

فقط در مواردی «سبب» ضامن است که اقوا بودن «سبب» معلوم و محرز گردد.

✓ بخش سوم: تعدد اسباب:

تعدد اسباب به این معنی است که: در به وجود آمدن ضرر واحد، چندین سبب نقش داشته باشند. مثلاً: کسی چاهی را حفر می کند، و شخص دیگری، سنگی را کنار این چاه قرار می دهد، از قضا، عابری در حین عبور، پایش به سنگ می خورد و بر اثر اصابت به سنگ به درون چاه می افتد. در به وجود آمدن این حادثه هم «سنگ» نقش دارد و هم «چاه»؛ زیرا اگر سنگ نبود، داخل چاه نمی افتاد، و اگر چاه نبود، تنها بر اثر برخورد با سنگ، روی زمین می افتاد و این حادثه رخ نمی داد. در این مثال تداخل اسباب وجود دارد، یعنی هم «سنگ» سبب است و هم «چاه» سبب است. با در کنار هم قرار گرفتن این دو تا سبب، این حادثه رخ داده است.^۴

طراحی و تنظیم:

مدیریت سایت پایگاه اطلاع رسانی گروه فقه و حقوق قضایی

^۴. مثال دیگر برای تعدد اسباب: کسی که دچار بیماری قلبی بوده است، در منزل در حال استراحت بوده است. در بیرون از منزل کسی ترقه ی را منفجر می کند، و بر اثر صدای ترقه، این بیمار دچار سکنه می شود، در اینجا تعدد اسباب وجود دارد مسئول خواهد بود که مسئول خواهد بود که رزیرا در به وجود آمدن این سکنه دو عامل نقش داشته است: عامل اول: عامل اول خود بیماری این شخص است که زمینه ی سکنه را فراهم کرده است. عامل دوم: عامل دوم انفجار آن ترقه است که اگر این ترقه در کنا ر منزل او منفجر نشده بود او دچار سکنه نمی شد.